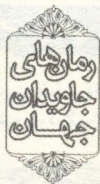


آرزوهای بزرگ

اثر چارلز دیکنز
ترجمه‌ی محسن سلیمانی



{ متن کوتاه شده }

نشر افق

فامیلی من پیریپ^۱ بود و اسمم فیلیپ اما از بچگی از این دو تا اسم فقط توانستم اسم پیپ^۲ را بسازم و روی خودم بگذارم. برای همین کم کم همه پیپ صدایم کردند.

من اصلاً پدر و مادرم را ندیدم. قبر آنها در گورستانی تاریک و پوشیده از علف در یک کلیسا بود. روی سنگ قبرشان هم چیزهایی نوشته بودند. از روی حروف اسم پدرم روی سنگ قبر، فکر می کردم لابد پدرم مردی چهارشانه و تنومند بوده و موهایی مشکی و وزوزی داشته است. از شکل حروف اسم مادرم هم حدس زدم که او

1. Pirrip

2. Pip